

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: اسعد ابو خلیل - منبع: Consortium News

برگردان از: سایت تدارک

فرستنده: عثمان حیدری

۲۹ جنوری ۲۰۲۰

استیلاي "ان جي او" ها بر جهان عرب

در طول بیش از ۲۰ سال گذشته، فراگیر شدن گروه های "جامعه مدنی" فرهنگ سیاسی را به گونه ای تغییر داده است که به منافع استعمار غربی خدمت می کند.



بیست و ششمین گرد همایی فواید سالانه بنیاد رنیه معوض، ۴ نومبر ۲۰۱۹. (یوتیوب)

طی چند دهه گذشته تعداد NGO های مورد حمایت غرب به طور قابل ملاحظه ای در تمام کشورهای عربی افزایش یافته است. در سال ۲۰۱۵، نخست وزیر فلسطین تخمین زد که غرب مبلغ ۸۰۰ میلیون دالر تنها برای تأمین اعتبار تعداد دو هزار و هشتاد و دو NGO در کرانه باختری صرف کرده است.

این سرمایه گذاری بازده خوبی برای دولت های غربی به شکل تغییرات چشمگیر در فرهنگ سیاسی مسلط [این کشورها] داشته است

در طول جنگ سرد، سیاست های غربی بر حمایت از رژیم ها و احزاب سیاسی برای خنثی کردن کمونیسم، سوسیالیسم و ناسیونالیسم عرب متمرکز بود. اما به نظر می رسد دولت های غربی امید به احزاب سیاسی را از دست داده اند، و حیثاً به این دلیل که اعراب جوان تر احتمالاً کمتر به آنها می پیوندند.

اعتراضات اخیر در عراق، لبنان و سودان نقش تقلیل یافته احزاب سیاسی را - نقشی که تقریباً وجود ندارد - آشکار کرد. نسل های قدیمی تر اعراب به صفوف اخوان المسلمین، احزاب ناسیونالیست عرب و احزاب و سازمان های چپ گرا می پیوستند. در حال حاضر این دیگر موضوعیتی ندارد. احتمالاً به خاطر پیوند احزاب سیاسی با یک نظم فاسد است که جوانان عرب به نفع عضویت در گروه های فیسبک و واتساپ به آنها پشت می کنند.



معترضان در بغداد، ۱ اکتوبر ۲۰۱۹

دولت های غربی نسبت به این تغییرات آگاه هستند و بودجه "ان جی او" ها را - همواره به اسم حقوق بشر، حقوق زنان و "ترویج دموکراسی" - افزایش داده اند. دولت های محلی - حتی متحدین و خدمتگزاران ایالات متحده - از افزایش نقش NGO ها کاملاً آگاهی دارند و تمایلی به دستگیری و تعرض به اعضای NGO های محلی و آزار آن ها ندارند. افزایش نقش NGO ها با پایان جنگ سرد همزمان بود؛ این زمانی بود که دانشگاهیان غربی شیفته و عاشق مفهوم جامعه مدنی شده بودند. کنفرانس ها و کارگروه های دانشگاهی برای بحث در مورد نقش جامعه مدنی برگزار شد و NGO ها در سراسر منطقه شروع به جوانه زدن کردند.

اما چیزی مشکوک در این باره وجود داشت: درحالی که تعداد قابل اتکائی NGO در خاور میانه وجود ندارد، به نظر می رسد که دولت های غربی روی NGO ها در مناطق اطراف اسرائیل سرمایه گذاری کرده اند (مخصوصاً در لبنان، فلسطین و اردن). NGO ها با روش هایی که ابزاری بود برای تغییر فرهنگ سیاسی جهان عرب، به مسائل پرداختند.

علیه وحدت اعراب

اول: NGO ها علیه اصل ناسیونالیسم عربی و وحدت آن ها عمل می کنند. به جای آن که مردم عرب را به عنوان یک واحد به حساب آورند - آنچنان که آن ها خودشان را چنین می بینند - NGO ها معمولاً از جهان عرب به عنوان "MENA" (خاورمیانه و شمال آفریقا - Middle East- North Africa) یاد می کنند. این اصطلاح هر هویت سیاسی را که دربرگیرنده دولت اشغالگر اسرائیل نباشد، پاک می کند. منطقه MENA به واژگان استاندارد NGO ها در جهان عرب تبدیل شده است.

دوم: NGO ها در درجه اول با مسائلی سروکار دارند که در آن اعراب قربانی سایر اعراب هستند اما هیچ گاه قربانی غربی ها نیستند. NGO هایی وجود دارند که با "جنايات ناموسی" و "خشونت خانگی" سر و کار دارند. اما دولت های غربی علاقه ای به تأمین بودجه NGO هایی ندارند که تعداد کشته های ناشی از بمب های غربی و اسرائیلی را

ردیابی می کنند. این در مقیاس بالا همان ذهنیت سفید پوستان نژاد پرست است که به "جنايات سیاہ - علیہ - سیاہ" اشاره می کنند اما اهمیتی به تیراندازی پولیس به سیاہ پوستان نمی دهند.

سوم: NGO ها در جهان عرب به طور مرتب صلح، آرامش طلبی و "رواداری" را ترویج می کنند. اگرچه ممکن است این آرمان ها به نظر خوش آهنگ برسند، اما با دستور کار غرب برای عادی سازی روابط با اسرائیل تطابق دارند. سرزمین های اعراب هنوز در اشغال اسرائیل است (در لبنان، فلسطین، سوریه و حاکمیت مصر بر صحرای سینا هم - یعنی منطقه ای که اسرائیل براساس پیمان صلح با مصر تخلیه کرد- جای سوال دارد). اسرائیل همچنان به تجاوز علیه اعراب ادامه می دهد.

فقط در چند سال گذشته، اسرائیل اهدافی را در سودان، لبنان، فلسطین، سوریه، عراق بمباران کرده و ترور هایی علیه اعراب و ایرانیان در سراسر جهان مرتکب شده است. این ایده که اعراب باید نه فقط در مواجهه با اشغال گری اسرائیل بلکه در برابر هجوم غربی ها به سرزمین های خود (از لیبیا تا عراق) به اصل عدم خشونت وفادار باشند، دستورالعمل تسلیم در برابر سلطه خارجی است. مقاومت فرانسوی ها در برابر اشغال نازی ها چگونه باید به فراخوان به انفعال صلح طلبانه برخورد می کرد؟ و امریکائی ها در جنگ انقلابی چگونه باید با کسانی مواجه می شدند که «رواداری» و مبارزه غیر خشونت آمیز را موعظه می کردند؟

ساختار واژگانی جدیدی لازم است

چهارم: همه کارکنان NGO ها تحت رهنمودهای اکید و پارامترهای سیاسی قرار دارند. وقتی رادیکال ها یا چپگراها به صفوف NGO ها می پیوندند، تغییر می کنند. صحبت کردن در باره تغییرات رادیکال با واژه شناسی غربی درباره آزادی سیاسی جایگزین می شود. (این امر تا زمانی صادق است که دولت ها خدمتگزار ایالات متحده نباشند. شما فعالیت های غربی را در هیچ یک از کشورهای حوزه خلیج نمی بینید. تنها سازمانهای حقوق بشری مجاز در عربستان سعودی، توسط دولت ایجاد شده اند و هرگز رژیم را به دلیل نقض حقوق بشر مقصر نمی دانند.) زبان سیاسی NGO ها توسط جوانان تحصیل کرده شهری به کار گرفته می شود که طوطی وار واژگان وزارتخانه های خارجه کشورهای غربی را تکرار می کنند. مناقشه اعراب- اسرائیل تبدیل به "مناقشه فلسطینی- اسرائیلی" می شود.



بنر تظاهرات در ۱۲ اگست ۲۰۰۶، در تورنتو، کانادا. علیه تجاوز اسرائیل/ اشغال فلسطین و لبنان

پنجم: نقش NGO های عربی مطمئناً در طیف ائتلاف سیاسی ارتجاعی راست گرا قرار دارد. برای مثال همه NGO ها در لبنان، به مثابه زانده ای از جناح راست طرفدار کمپ سعودی/ایالات متحده فعالیت می کنند و سازمان های حقوق بشری غربی (مثل دیده بان حقوق بشر یا سازمان عفو بین الملل) همه تقریباً عضو اعلام نشده مؤسسات دست راستی در کشور اند. در لبنان، بنیاد رینیه معوض به عنوان یک دریافت کننده محبوب وجوه ایالات متحده ظاهر شده است، و در جشن سالانه آن در هتل های پنج ستاره در واشنگتن، D.C، یک ستاره درخشان محلی مثل پاول ولفوویتز [Paul Wolfowitz](#) را به خود جلب کرد. [The René Moawad Foundation's 26th Annual](#)

اما در لبنان، این بنیاد با بنیانگذارش، نایلا معوض در ارتباط است. نایلا معوض نماینده پیشین پارلمان است که در گرایش راست افراطی ائتلاف راستگرای ۱۴ مارچ قرار دارد (با تمرکز شدید بر ضرورت خلع سلاح حزب الله، که تنها عامل بازدارنده در برابر تجاوز اسرائیل به لبنان است). مایک پومپئو وزیر امور خارجه آمریکا در سفر اخیر خود به لبنان، تنها از خانه يك نفر بازدید کرد، میشل معوض، پسر نایلا موحد، که درباره دوستی دیرینه با پومپئو صحبت کرد. هنوز مشخص نیست که چرا مقامات ایالات متحده از کار این بنیاد تا این حد رضایت دارند، دلیل این ابهام این است که NGO ها باوجود همه تبلیغاتی که بر شفاف بودن می نمایند، بسیار غیر شفاف عمل می کنند و جزئیات مربوط به بودجه یا برنامه های واقعی خود را منتشر نمی کنند. این غیر منطقی نیست که تصور کنیم که NGO های محلی وظایف سیاسی خود را از سرمایه گذاران غربی اخذ می کنند. بودجه ایالات متحده برای دانشگاه آمریکایی بیروت چنان با برنامه سیاسی او گره خورده است که دولت آمریکا، چند سال پیش، حقیقتاً از مدیریت آنجا خواسته بود تا در مورد گرایشات سیاسی والدین هر دانشجویی که بورس تحصیلی با بودجه ایالات متحده دریافت می کند، تحقیق کند. (مدیریت در آن زمان امتناع کرد).

ششم: در عصر بیکاری بالا در بین جوانان عرب، حقوق NGO هائی که از طریق کشورهای غربی تأمین مالی می شوند، بسیار با ارزش است. هنگامی که روزنامه نگاران محلی به اوج کار حرفه ئی خود می رسند، آرزویشان پیدا کردن کاری در NGO هاست. به همین خاطر، روزنامه نگاران جوان عرب به آن معیارهای سیاسی دل می بندند که مورد حمایت NGO ها است. به عنوان مثال، کمتر کسی جرأت دارد از مقاومت در برابر اسرائیل حمایت کند زیرا می داند که رد صلاحیت خواهد شد و کمتر کسی جرأت می کند که فضیلت سرمایه داری یا جنگ کشورهای غربی علیه تروریسم را زیر سؤال ببرد.

هفتم: دولت های غربی تنها تأمین کنندگان بودجه NGO های عربی نیستند. سرمایه گذاران خصوصی نیز فعال هستند. بنیاد سوروس در جهان عرب کاملاً فعال شده است و انواع سازمان ها و حتی وب سایت های خبری عربی را تأمین مالی می کند. در حالی که راستگرایان یهود ستیز اروپا مفتون جورج سوروس هستند، نقش سوروس در تأمین بودجه گروه های ارتجاعی عربی [متماثل به اسرائیل] غیرقابل انکار است.

مداخله و کنترل غرب بر جهان عرب در طول سالها شکلها و فرم های زیادی به خود گرفته است. در این هزاره، دولتهای غربی از توانائی NGO ها در پیشبرد منافع استعماری خود که از طریق آلوده کردن فرهنگ سیاسی عرب ها با واژگان غربی قابل دستیابی است به شگفت آمده اند. توانائی که منافع غربی یا اسرائیلی را تهدید نمی کند.

با این وجود [آگاهی فزاینده ای](#) درباره نفوذ NGO ها در حال شکل گیری است. در بعضی از رسانه ها، نگرانی درباره نقش آنها، گاهی به لحنی اغراق آمیز از توطئه گری آن ها منجر شده است. این اما غیرقابل انکار است که NGO ها که بودجه غربی دریافت می کنند، نقش های گسترده ای در کشورهای اطراف فلسطین اشغالی ایفا می نمایند و وظیفه و مأموریت آنها لزوماً ایده آل های بلند پروازانه ای را منعکس نمی کند که بر روی بروشورهای برافشان چاپ شده است.